

کاربست صف‌بندی هویت ضدصلیبی از منظر هانتینگتون در سیاست‌گذاری خبری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

* اردشیر زابلی‌زاده

E-mail: azmmf9432@gmail.com

** محمد دژکام

E-mail: m.dejkam@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۷

چکیده

این مقاله با رویکردی بین‌رشته‌ای با استفاده از نظریات علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات، نقش رسانه در بازنمایی هویت تمدنی و کاربست آن در ارتباطات بین‌الملل به این سؤال پاسخ می‌دهد که «آیا خاطره تاریخی مسلمانان از صلیب‌گری غرب، می‌تواند به‌عنوان ظرفیتی خبری جهت پیشبرد سیاست استکبارستیزی ج.ا.ا. کاربرد یابد؟». در قالب مدل فرایند سیاسی خط مشی‌گذاری عمومی، به تبیین حلقه‌ی اول سیاست‌گذاری خبری یعنی شناسایی مسأله می‌پردازد. پژوهشگر تأثیر هویت بر روابط بین‌الملل را از دیدگاه سازه‌انگاران و برخورد تمدن‌ها تبیین کرده است و سپس با تشریح چیرستی صف‌بندی هویت ضدصلیبی از منظر هانتینگتون، چگونگی استفاده از این ظرفیت در مواجهه با استکبار در حوزه سیاست‌گذاری خبری صداوسیما ج.ا.ا. در تولیدات رسانه‌ی برون‌مرزی را واکاوی کرده است. در پایان پژوهش ضمن تأیید امکان کاربست ظرفیت راهبردی مذکور چنین نتیجه می‌گیرد که ضعف اخبار برون‌مرزی صداوسیما در معرفی ایران به‌عنوان مبارز علیه صلیب‌گری نوظهور، یکی از عواملی است که موجب شده ج.ا.ا. کمتر بتواند بر ریشه‌های عمیق هویتی جهان اسلام تکیه کند.

کلید واژه‌ها: صداوسیما، سیاست‌گذاری خبر، هویت، برخورد تمدن‌ها، جنگ‌های صلیبی.

* استادیار، عضو هیأت علمی گروه ژورنالیسم دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صداوسیما

** دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده‌ی مسئول



مقدمه و طرح مسأله

یکی از آرمان‌های هر حکومتی و از اصول کشورداری شایسته، ایجاد امنیت در حوزه اقتدار خود است. این نقش حکومت تا آنجا اهمیت دارد که در نگاه غالب نظریه‌پردازان علوم سیاسی، امنیت بزرگترین وظیفه‌ی نهاد اجتماعی حاکمیت و مهم‌ترین حق شهروندان است (بیات، ۱۳۸۸: ۷۷). علت وجودی و ماهیت تشکیل‌دهنده‌ی امنیت نرم را موضوعات مرجع امنیت نرم می‌نامند که محیط داخلی امنیت نرم را شکل می‌دهند. در نظر گروهی از کارشناسان امنیتی این موضوعات مرجع حول محور عدالت، به قرار زیر هستند: پایداری و نفوذ اندیشه ملی، وحدت ملی، هویت ملی، سبک زندگی ملی، احساس امنیت و تصویر بین‌المللی ملی. موضوعات مرجع، تعیین‌کننده‌ی نهایی وضعیت کشور در چارچوب امنیت نرم هستند (علیخانی، ۱۳۹۳). فقه سیاسی شیعی نیز به‌عنوان فضای اجتهادی ولایت فقیه، بر ابعاد مختلف امنیت، به‌ویژه مؤلفه‌های نرم مانند: هویت، سبک زندگی و غیره تأکید واثق دارد؛ چنان‌که مقام معظم رهبری فلسفه‌ی انقلاب اسلامی را ایجاد جامعه اصیل در مفهوم مستقل فکری و هویتی می‌دانند (۹۶/۳/۱۴). خبر به‌عنوان یکی از گونه‌های فعالیت رسانه‌ای، از ارکان اصلی جامعه مدنی و بازیگران اصلی امنیت نرم به‌شمار می‌رود (دژکام، ۱۳۹۵).

در چارچوب خبری رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، بیداری اسلامی که در قالب خیزش مردمی جهان اسلام در برابر حکام دست‌نشانده غرب نمود یافت؛ در خودآگاهی که پس از دوران استعمار برای جوامع مسلمان حاصل شده است، ریشه دارد. در این خودآگاهی مسلمانان با استفاده از هویت به تعریف خود می‌پردازند. در واقع از یک‌سو کیستی خود را معرفی کرده و از سوی دیگر مرزهای هویتی خود را با دیگری بیان می‌کنند. در این تعاریف خود و دیگری، تاریخ جایگاه ویژه‌ای دارد. ریشه‌های نزاع بین دو تمدن به اوایل ظهور تمدن اسلامی در صدر اسلام باز می‌گردد. توسعه سریع اسلام در سمت غرب با شکست‌های عدیده‌ای برای تمدن غربی همراه بود که تا فتح کامل اندلس ادامه یافت. تلاش غرب برای جبران این شکست‌ها با جنگ‌های صلیبی آغاز شد. این جنگ‌ها علاوه بر تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی زیادی که برای جهان اسلام به همراه داشت؛ به دلیل درازای دو‌ست ساله‌ی تعارضات، بر روح تمدن اسلامی آثار ماندگاری ثبت کرد. اشغال بیت‌المقدس به‌عنوان قبله‌ی اول مسلمین، آغازی بر تلاش‌های غرب برای مقابله با تمدن اسلامی تفسیر شد و این منطقه به‌عنوان لبه‌ی تلاقی تمدن اسلام و غرب، کانون بحران و مرکز توجه خبری شد. از این

جهت خاطره تاریخی تجاوز و صلیبی‌گری غرب به اسطوره و نمادی از اسلام‌ستیزی و مؤلفه‌ای انگیزشی برای واکنش در برابر این تمدن تبدیل شد.

این خاطره‌ی تاریخی هنگامی که دول غربی به‌عنوان میراث‌داران صلیبی‌گری، سرزمین مقدس را پس از جنگ جهانی دوم از سرزمین‌های اسلامی جدا کرده و به جریان صهیونیستی واگذار کردند، باز تولید شد. از آن پس هر حکومت اسلامی که برای مقابله با اسرائیل به‌عنوان مولد صلیبی‌گری نوظهور، تلاش می‌کرد به قهرمان جهان اسلام تبدیل می‌شد. به عبارتی از آنجا که یکی از تمایزات جدی هویتی جهان اسلام با تمدن غرب، در صلیبی‌گری غرب و ضدصلیبی‌گری جهان اسلام است، حکومت‌گذاری و جهادگر با اسرائیل در اذهان مسلمانان جهان به قهرمان مبارزه با صلیبی‌گری تبدیل می‌شود. برای چنین حکومتی، مقبولیت ایدئولوژیک در جهان اسلام بیشتر فراهم شده و امکان توسعه‌ی عمق نفوذ سیاسی تسهیل می‌شود.

در زمان کنونی، رژیم اسرائیل بیشترین تعارض فکری و عملی را در بین دول اسلامی با نظام ج.ا.ا دارد. با وجود هزینه‌کرد قابل توجه ایران در این تعارض، جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومت‌گذاری و جهادگر علیه صلیبی‌گری شناخته نشده و لذا تحصیل منفعت سیاسی و ایدئولوژیک، از این تعارض منطبق بر گسل هویتی مورد بحث، صورت نمی‌پذیرد. در مقابل با تلاش امپریالیسم رسانه‌ای، در افکار عمومی جهان غرب و عرب، ایران به‌عنوان عامل محوری برهم‌زننده‌ی ثبات جهان اسلام معرفی می‌شود.

سؤال‌های تحقیق

آیا خاطره تاریخی مسلمانان از صلیبی‌گری غرب، می‌تواند به‌عنوان ظرفیتی خبری جهت پیشبرد سیاست استکبارستیزی ج.ا.ا کاربرد یابد؟
جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند با استفاده از خاطره‌ی تاریخی مسلمانان و ظرفیت‌های تاریخی خود، در بستر جریان صلیبی‌گری فرامدرن کنونی، اثرگذاری رسانه‌ای خود را در پوشش خبری تحولات خاورمیانه بهبود بخشد؟

فرضیه

در این پژوهش فرض بر آن است که رسانه ج.ا.ا می‌تواند با تبیین جایگاه تاریخی ایران در تقابل با غرب خاصه در قرون میانه و نیز تأثیر عناصر ایرانی در مواجهه با



صلیبی گری، جایگاه تاریخی ایران را در جهان اسلام در برابر غرب تثبیت کرده و با تأکید بر تلاش‌های ایران در برابر صهیونیسم، آن را به‌عنوان کشوری جهادگر در برابر صلیبی گری نوظهور جلوه دهد.

چارچوب مفهومی تعریف مفاهیم

هویت: مفهوم هویت در معانی مختلف و گاه متعددی به کار رفته است، مانند منطقه فاعلی، منطقه مفعولی، ما، خود، درک از خود، بازنمایی خود، آگاهی از خود، خودانگاره، هویت خود، الگو، سوپر الگو، شخصیت و... (دوران و محسنی، ۱۳۸۳: ۸۱). هویت در فرهنگ آکسفورد از ریشه لاتین *identitas* است که از *idem* به معنای تشابه و یکسانی گرفته شده است (دیکشنری آنلاین آکسفورد) و دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین هویت به طور هم زمان دو نسبت محتمل را میان افراد و اشیاء برقرار می‌سازد؛ از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). در هر سطحی انسان به تعریفی از خود و تعریفی از دیگران می‌پردازد تا مرزهای بین خود و دیگران را معین کند. تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها تا حد زیادی ناشی از تعامل با دیگران است، به بیانی هویت در تعامل با دیگران برای انسان مشخص شده و تعریف می‌گردد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۳). به همین ترتیب تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند اجتماعی دستاوردهای هویت اجتماعی‌اند. در واقع هویت اجتماعی براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، گروه‌های اجتماعی را به ما و دیگران تقسیم می‌کند (جیکینز، ۱۳۸۱: ۹). باری بوزان معنای ارگانیکی امنیت اجتماعی را به‌عنوان هویت در جامعه مورد اهتمام قرار داده و امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویتی تلقی می‌کند (ترابی، گودرزی، ۱۳۸۳: ۴۰).

سیاست‌گذاری خبری

توجه به مسائل عمومی جامعه و اتخاذ تدابیری برای حل آنها از وظایف دولت‌هاست که آنها را از بخش خصوصی متمایز می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۴). خط‌مشی خبر سیاسی نوعی خط‌مشی عمومی است که عرصه‌ی سیاست را در کانون توجه خود دارد. ادبیات علم سیاست مملو از تعاریف مختلف خط‌مشی عمومی بوده و تقریباً هر کسی که در

باب خط‌مشی مطلبی نوشته، تعریفی نیز از خط‌مشی ارائه داده است. در این بین شاید بتوان تعریف اندرسون را به منزله‌ی تعریفی نسبتاً جامع و مانع پذیرفت (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۸). وی معتقد است: «خط‌مشی عمومی بیانگر مجموعه‌ای از اقدام‌ها یا عدم اقدام‌های نسبتاً ثابت و هدفمند است که توسط یک کنشگر یا مجموعه‌ای از کنشگران برای پرداختن به یک مسأله یا دغدغه عمومی دنبال می‌شود (اندرسون، ۲۰۱۴: ۶). براساس این تعریف می‌توان ویژگی‌های ذیل را برای خط‌مشی عمومی برشمرد:

- ۱- خط‌مشی عمومی هدفمند و قصد شده است، نه تصادفی و اتفاقی، ۲- خط‌مشی عمومی توسط مقامات دولتی اتخاذ می‌شود، ۳- خط‌مشی عمومی متضمن الگوهایی از اقدامات است که در طول زمان در پیش گرفته می‌شود، ۴- خط‌مشی عمومی محصول تقاضاست؛ مجموعه‌ای از اقدامات است که توسط دولت در پاسخ به فشار مربوط به برخی مسائل ادراک شده هدایت می‌شود، ۵- خط‌مشی عمومی می‌تواند ایجابی (کنش تعمدی و هدفمند) یا سلبی (تصمیم برای عدم اقدام) باشد (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲: ۱۴). در مدل فرایند سیاسی، فرایند خط‌مشی‌گذاری را به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی در قالب مراحل شناسایی مشکل، تدوین راه‌حل‌ها، قانونی کردن، اجرا و ارزیابی می‌توان در نظر گرفت (الوانی، شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰).

نظریه‌های تبیین‌کننده موضوع

جرج هربرت مید از مهم‌ترین نظریه‌پردازان هویت اجتماعی که دیدگاه کنش‌نمادین متقابل (۱) و امدار اوست، در باب هویت اجتماعی معتقد است هر فرد هویت یا خویشتن خویش را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. در اصل تصویری که از خود می‌سازد بازتاب نگرشی است که دیگران به او نسبت می‌دهند (ترنر، ۲۰۰۱: ۱۲). هویت‌های اجتماعی عناصری دارند که آنها را تثبیت می‌کند. این عناصر از منظر دانشمندان مختلف است و هرکس بنا بر دیدگاه خود به طرح آنها پرداخته است، ولی می‌توان در جمع‌بندی بین آراء این افراد به عناصر مشخصی دست یافت. سرزمین، واحد سیاسی، نژاد، مذهب و تاریخ را می‌توان عناصر اصلی هویتی در بازه زمانی و مکانی مورد نظر ما دانست که هر یک از عناصر یاد شده، در شرایطی قابل تجزیه و تدقیق‌اند.

هویت دو وجه دارد، وجهی که ناشی از خود آگاهی من کیستم را تعریف می‌کند و وجه دیگر که با تعریف دیگران وجوه تمایز بین خود و دیگران را پیدا کرده به



مرزبندی بین خود، دیگران می‌پردازد. عده‌ای از دانشمندان هویت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هویت به تصویری از خصوصیات فردی و تمایز (خود محوری) مربوط می‌شود که توسط یک بازیگر حفظ و القا شده و به واسطه‌ی روابط با دیگران شکل گرفته‌اند» (چیرسون، ۱۹۹۶: ۵۹).

مدل نظری

تا زمانی که افراد با یکدیگر روابط متقابل دارند، هیچ گزینه‌ای جز این ندارند که از یک طرف خود را در روابط با دیگران تعریف و از طرف دیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان را تعریف کنند. شایان ذکر است که هم افراد و هم گروه‌ها دارای هویت‌اند، هر چند افراد خودشان را در گروه‌ها یافته و بازتعریف می‌کنند. هم تعریف از خود در هر سطح فرق می‌کند و هم تمایز با دیگری. لذا در سطحی از هویت ممکن است دو گروه هویت‌های متمایزی را برای خود پذیرفته باشند، ولی هنگام مواجهه با گروهی که با آنها تمایز بیشتری داشته باشد باز تعریف جدیدی از خود ارائه داده و در این تعریف تمایزات قبلی را کنار گذاشته و در برابر هویت جدید متحدمی‌شوند (هانتینگتون، ۲۰۰۵: ۲۵).

تعریف خود و دیگری در هویت از مراحل خرد شخصی تا مراحل کلان بین‌المللی بر کنش‌های افراد و جوامع تأثیر دارد. در نظریه‌ی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، نخستین گزاره‌ی مهم هستی‌شناسی این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه‌ی ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ زیرا ساختارهای با معنا هستند که تعریف می‌کنند کنشگر چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. دومین گزاره، هویت‌ها هستند که به منافع شکل می‌دهند (پرایس و رئوس، ۱۹۹۸: ۲۶۶). دیدگاه سازه‌انگاران به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌تواند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی برمی‌خیزد نه به شکل تحلیلی و ماقبل آن، لزوماً نسبت به نوع تعامل میان دولت‌ها و همکاری یا تعارض میان آنها نه می‌توان خوش بین بود نه بدبین (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹). در اینجا هویت به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. هویت به معنای نسبتاً ثابت مبتنی بر نقش خاص خود و انتظارات از دیگران است. کنشگران منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند، یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف می‌کنند و به کنش ما سامان می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹). با این نگاه تعریف هویت در جوامع می‌تواند بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد. در این نگاه که به میزانی از نگاه نو

واقع گرایانه متفاوت است، هویت جمعی را از موارد کنش گری سیاسی می داند. بر همین مبنا هویت در معادلات سیاسی جهان اهمیت ویژه ای یافته است. اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هویت در کلان ترین شکل خود در عرصه ی بین الملل جلوه کرد. این شکل کلان هویت تمدنی است. هر کجا دو یا چند هویت فرهنگی متفاوت، همجواری جغرافیایی داشتند، گسل تمدنی ایجاد می شود که درگیری های خونین بلند مدتی در پی دارد و صف بندی های جهانی را ایجاد می کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۳۸). این تمدن مبتنی بر مشترکات عینی مانند زبان، تاریخ، دین، عادات و نهادها و هم عامل ذهنی خودشناسی انسان است (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۶۳). در هر تمدنی هر یک از این مشترکات تمدنی درصد متفاوتی از تأثیر را دارند. وی با برشمردن ۸ تمدن اصلی در جهان مطرح می کند که به دلیل این که تمدن غربی فعلاً تمدن برتر جهان است، «بعضی از جوامع غیر غربی تلاش می کنند تا غرب را سرمشق قرار داده با آن هم رنگ شوند یا به آن بپیوندند، اما جوامع کنفوسیوسی و اسلامی می خواهند قدرت اقتصادی و نظامی خود را افزایش دهند تا در برابر غرب مقاومت کرده با آن به تعادل برسند» (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۳۹). جهان اسلام به عنوان یکی از مهم ترین چالش های تمدنی غرب در زمان حال و آینده مطرح است. این تمدن با وجود آن که منابع انرژی، تنگه های راهبردی و جمعیت مولد زیادی در اختیار دارد، چنان که تمدن کنفوسیوسی و تمدن ارتدکس توانسته اند غرب را به چالش کشیده و با آن به رقابت بپردازند، نتوانسته جایگاه خود را تثبیت کند. ساموئل هانتینگتون مهم ترین عامل در این ضعف را عدم اتحاد جهان اسلامی می داند. وی هویت در جهان اسلام را تا حد زیادی ترکیبی از دین و قبیله می داند. گفتار وی در این باره چنین است:

«قبیله گرایی و دین در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای عرب و در نظام سیاسی آنها نقش مهمی داشته است. این دو عمل چنان در هم آمیخته اند که مهم ترین عوامل و متغیرها در شکل دهی و تعیین فرهنگ سیاسی و ذهنیت سیاسی اعراب به حساب می آیند. ... دلیل موفقیت مؤسس عربستان سعودی این بود که در ایجاد ائتلاف میان قبایل توانست به خوبی عمل نماید... ارتباطات آن با سایر کشورهای اسلامی تا حد زیادی ناشی از پیوند قبیله ای است.» (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۸۳).

جهان اسلام به این آگاهی رسیده که باید در برابر غرب ایستاده و تمدن جدید خود را شکل دهد. این نگاه در بسیاری از قسمت های جهان اسلام دیده می شود. امام خمینی (ره) پیشگام این تفکر و نماد آگاهی جهان تشیع است. به موازات این جریان



پیشرو، اندیشه‌های سلفی اهل سنت مانند القاعده و جریان سکولار مانند حزب عدالت و توسعه در ترکیه در پی تشکیل امپراطوری مجدد اسلامی هستند که نشانگر گونه‌های متفاوتی از آگاهی جهان اسلام برای مقابله با تمدن غربی است.

عدم همراهی برخی جریان‌های اهل سنت و سکولار با اندیشه‌ی پیشرو امام خمینی موجب تفرقه هویتی در تمدن اسلامی شده است. از این جهت تقابل مذکور نتیجه مطلوبی برای جهان اسلام در بر ندارد. این امر تا حدی ناشی از اختلافات مذهبی است، ولی در یک نگاه آسیب‌شناسانه جهان اسلام در مقابله با غرب به ریشه‌های تاریخی تمایز هویتی متوسل می‌شود که به‌طور غالب در جنگ‌های صلیبی و بیرون راندن مسلمانان از اسپانیا متمرکز می‌شود. این نگاه هم مورد قبول غرب است هم مورد قبول جهان اسلام. سند این سخن نیز در تمایز هویتی غربی است که در مقابله با مسلمانان به آن تمسک می‌جویند. پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر این تمایز مبتنی بر هویت صلیبی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (۲). توسعه‌ی این تمایز هویتی در بین جوامع، اعم از اسلامی یا غربی مبتنی بر ابزارهای رسانه‌ای در جهان ممکن است. در واقع این هویت را رسانه‌ها توسعه می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت در جهان کنونی، هویت - من کیستم و دیگری کیست - از طریق رسانه‌ها برای مردم درونی می‌شود. واقعیت این است که تصور ما از جهان، تصویری مستقیم نیست. ما از بسیاری از وقایعی که در این گوشه‌ی دوردست از زمین یا آن پهنه‌ی بعید از آسمان اتفاق می‌افتد، تجربه دست اولی نداریم، بلکه از طریق فرآورده‌های رسانه‌های جمعی از این وقایع آگاه می‌شویم. نه تنها متن خبری این یا آن خبرنگار، بلکه حتی دوربین هم نمی‌تواند واقعه‌ای را کاملاً بی‌طرفانه برای ما روایت کند. انسانی که سرعت تصویربرداری، بزرگی یا کوچکی دریچه، نوع عدسی و زاویه نگاه دوربین را تعیین می‌کند، دانسته یا نادانسته برشی از واقعیت و در اغلب اوقات روایتی خاص از آنچه در مقابل دوربینش واقع می‌شود، به ما عرضه می‌کند. بنابراین، مخاطب، پدیده‌ها را در قالب روایت می‌فهمد و گزارش دهنده، هم به‌عنوان یک انسان و هم به‌عنوان یک کارگزار رسانه‌ای، کاری جز روایت کردن نمی‌داند (امینیان و تیمورپور، ۱۳۹۱: ۷۲).

این مجموعه روایت‌ها، روایاتی هستند که آگاهی ما را از خود و دیگری می‌سازند؛ با تکه‌تکه کردن و به هم پیوستن و تنظیم‌های مکرر جزئیات است که یک رسانه، رخدادهای مجزا را به هم پیوند می‌دهد و آنها را در قالب یک روایت تدوین می‌کند،

مجموعه‌ی این سلسله روایت‌ها به تصور ذهنی ما از جهان پیرامون‌مان شکل می‌دهد و انگاره‌های ذهنی‌ای برای انسان معاصر خلق می‌کند تا بتواند با محیط پیرامون خود مواجه شود و احساس کند آن را می‌شناسد (امینیان و تیمورپور، ۱۳۹۱: ۷۲).

روش تحقیق

این مقاله با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و با تکیه بر برگزاری پنل خبرگی با موضوع «تأثیر جنگ‌های صلیبی بر هویت تمدن اسلامی» به بررسی ریشه‌های تمایز هویتی جهان اسلام با دیگر گونه‌های هویت تمدنی پرداخته است. در بستر پنل مذکور که با حضور ۵ تن از کارشناسان بخش عربی خبر برون‌مرزی و با مدیریت محققان برگزار شد، خاطره‌ی تاریخی جهان اسلام در قبال مسأله‌ی اسراییل و غرب تحلیل شد. با عنایت به بستر تعارض تاریخی - هویتی مذکور، سیاستگذاری خبر در رسانه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ارزیابی شد.

یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های هویتی در رسانه‌های غربی و اسلامی

هویت در جهان کنونی، از مرز کشورها فراتر رفته و بدین ترتیب هویت ملی آخرین لایه‌ی کلان هویتی محسوب نمی‌شود، بلکه این هویت لایه‌ای از هویت‌های خرد و کلانیست که در مجموعه‌ی تمدنی تعریف می‌شوند. هویت جدید برای مقابله با سایر هویت‌ها اقدام به اتخاذ یار از بین فرهنگ‌های شبیه به خود دارد. در نتیجه ممکن است بین ملت‌ها جنبه‌های متمایزکننده هویت وجود داشته باشد، اما در این دیدگاه کلان جنبه‌های متمایزکننده کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر بر جنبه‌های ایجابی تأکید می‌شود. به عنوان مثال در صف‌بندی‌ها هویتی تمدنی غربی با وجود جنگ‌های بسیار (۳) در بین اعضای این هویت، بر جنبه‌های اشتراک هویتی تأکید نموده و موارد تمایز را نادیده گرفته و یا در سطوح کلان مطرح نمی‌کنند. این در حالی است که در پیشینه‌ی تاریخی این تمدن واگرایی هویتی شدیدی بین اعضای آن به دلایل نژادی، مذهبی، جغرافیایی، سیاسی و... وجود داشته است. اکنون در کنار مؤسسات و پیمان‌های نظامی (۴) که غرب برای خود ایجاد کرده، برای تثبیت هویت خود ناتوی فرهنگی با استفاده از ابزار رسانه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است. در این راستا مؤلفه‌های هویتی چون میراث کلاسیک غرب شامل فرهنگ یونانی و رومی، مذاهب کاتولیک و

پروتستان (مسیحیت غرب)، زبان‌های اروپایی (زبان‌های رومیایی و ژرمانیک)، جدایی قدرت مادی از قدرت معنوی، حاکمیت قانون، تکثرگرایی اجتماعی (تکثرگرایی طبقاتی)، نهاد مبتنی بر نمایندگی و در نهایت فرد باوری هویت کلان غربی را شکل می‌دهد (ر.ک. هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۰۹-۱۱۱). در این مؤلفه‌ها تمایزی بین فنلاندی با اسپانیایی دیده نمی‌شود. این مؤلفه‌ها به قدری کلان هستند که همه‌ی تاریخ غرب و همه‌ی فرهنگ آن را دربرمی‌گیرند. بدین ترتیب هویت منسجمی در این تمدن پدید آمده که می‌تواند با آسیب‌های احتمالی از سوی سایر تمدن‌ها مقابله کند. ارائه‌ی این مؤلفه‌ها از طریق رسانه‌های غربی از یک سو در جهت هماهنگ کردن ارزش‌های سایر فرهنگ‌ها با آنهاست و از سوی دیگر ارائه هویت و خود واحد به اعضای این هویت است. در این نگاه اگرچه بازیگر بریتانیایی نقش اول (۵) فیلم پادشاهی بهشت (۶)، شوالیه‌ای فرانسویست؛ اما یک آلمانی، اسپانیایی یا نروژی وی را قهرمان خود می‌داند؛ چرا که علیه هویت غیر غربی یعنی مسلمانان می‌جنگد. با این رویکرد رسانه‌ای در غرب، هویت اجتماعی آنها باعث می‌شد تا دول غربی از حمایت مردمی برخوردار باشد. در این تلاش رسانه‌ای، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها اعم از تصویری تا نوشتاری وجود دارد. کتاب انتخاب‌های سخت (۷) اگرچه خاطرات یک سیاست‌مدار امریکایی است، اما در نگاه تمدنی یک زن نمونه است که از آرمان‌های غربی چون دموکراسی، حقوق بشر، حق زنان و غیره دفاع می‌کند.

صلیبی‌گری و رگونیستا (۸) یکی از وجوه تمایز تمدن اسلامی و غربی است، اما با تفاوت‌هایی. اگرچه جهان اسلام در جغرافیایی گسترده و زمانی طولانی تصادم با غرب را درک کرده و سرانجام به این خودآگاهی رسیده که باید به خیزشی مجدد روی آورد؛ اما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت کلان یعنی اتحاد را ندارد. خرده‌هویت‌ها در جهان اسلام به دلایل مذهبی، نژادی و تاریخی بسیار قوی‌اند. می‌توان قوی‌ترین این خرده‌فرهنگ‌ها را در بافت قبیله‌ای جهان اسلام دید که حتی مرزهای ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مسلمانان هند و آسیای میانه گرفته تا مغرب اسلامی در شمال آفریقا هویت افراد و جوامع بیشتر در قالب قبیله‌ای تعریف می‌شود. این امر تا حدی قوی است که قبایل می‌توانند با اتحاد با هم نژادان خود در کشور همسایه به عامل فشاری برای دولت خود تبدیل شوند (ر.ک. هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۷۸). غیر از عامل قبیله‌گرایی، مذهب عامل دیگر افتراق هویت کلان در جهان اسلام است. در کلی‌ترین حالت این انشقاق، تعریف جوامع از خود به دو دسته‌ی شیعه و سنی، بزرگترین وجه تمایز مذهبی

محسوب می‌شود و در موارد خردتر درگیری‌های درون‌مذهبی مانند درگیری بین متصوفه اهل سنت با بنیادگرایی وهابی تمایزات هویتی را به دنبال می‌آورد. در بعضی موارد هر دوی این وجوه افتراق هویت کلان با یکدیگر ترکیب می‌شوند، یعنی قبایل برای تمایز هویتی بیشتر مذاهب متفاوتی را برمی‌گزینند که مقوم هویت قبیله‌ای خود شوند. این نگاه مذهبی و قبیله‌ای در جهان اسلام ضررهای عدیده‌ای برای آنها به دنبال داشته که در زمان کنونی شدت‌گیری نزاع دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی را می‌توان نام برد. گذشته از آن‌که این افتراق بیشتر ریشه در مسائل بین‌الملل دارد، اما تعریف تمایز نژادی عرب - عجم و تمایز دینی سنی - شیعه مشخصاً بازتاب دهنده‌ی ترک‌های هویتی جهان اسلام است. این تعاریف در حالی است که در خاطره‌ی تاریخی جهان اسلام درگیری‌ها خونین و تمایزات هویتی بسیار کمتر از جهان اروپایی بوده است. در این تمایزات هویت غالباً ریشه‌های تاریخی لحاظ می‌شود. این امر تا حدی ناشی از جهت‌گیری و ارزش‌گذاری در این علم، خاصه برای جهان عرب و اهل سنت و خوانش ناقص و بسیار محدود از تاریخ، خاصه برای تشیع و ایران است. حال با رجوع به پیشینه‌ی فرهنگی، آنچه که اهل سنت و اعراب خاصه برای خود می‌دانند، تا حد زیادی تشیع و ایرانیان در آن سهم داشته‌اند. و آنچه که تشیع به آن نمی‌پردازد، خاطره‌ی تاریخی اکثریت جهان اسلام است. این خاطره‌ی تاریخی همان وجه تمایز جهان اسلام با تمدن غربی است.

خاطره تاریخی جهان اسلام

برداشت مسلمانان از رابطه‌شان با غرب به‌طور مشخص بر دو موضوع کلی استوار است: زوال توافق درازمدت تمدن اسلامی و احساس عمیق مسلمانان از این‌که از سوی غرب در محاصره قرار گرفته‌اند. مسلمانان به خوبی از یک هزاره برتری نظامی، تکنولوژیکی، علمی و فرهنگی خود که در دوره رنسانس به پایان رسید باخبر هستند؛ دوره‌ای که پس از آن روند افول مسلمانان و صعود اروپاییان آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. اگر مسلمانان برای از بین رفتن مجدد و عظمت، افول قدرت و از دست دادن نفوذشان اندوهگین هستند، از تمدن غرب که به برتری آنها پایان داد نیز بسیار رنجیده‌اند. قرائت مسلمانان از تاریخ در واقع بیانگر زمینه‌های روان‌شناختی و فرهنگی و تاریخی دیدگاه‌های آنها نسبت به تاریخ معاصر است. ممکن است مسلمانان در تعامل معمول‌شان با غرب احساس خود را در مورد این وقایع تاریخی پنهان کنند، اما این



ملاحظات در تفکر جمعی آنها وجود دارد (فولر و لسر، ۱۹۹۵: ۵۱). در بررسی تاریخ باید به خاطر داشت که تاریخ از لحاظ فرهنگی بسیار فراتر از صرف ثبت وقایع اتفاقیه است. هم‌چنان‌که انسان‌های معاصر میراث سیاسی و فرهنگی خود را مجدداً بررسی کرده، جنبه‌های خاصی از گذشته اهمیت تازه‌ای یافته و نگاه به گذشته دیدگاه‌های جدیدی را آشکار می‌سازد که شاید در آن زمان نبوده است؛ تاریخ را نیز انسان‌ها براساس نیازها و برداشت‌هایشان بازنویسی می‌کنند (ر.ک. خیراندیش، ۱۳۸۸: ۶). به همین دلیل امروزه فعالان اسلام‌گرا گذشته‌ی اسلام را غربال می‌کنند تا مواد اولیه و موارد سیاسی و ایدئولوژیکی آن را که برای سیاست‌معاصر مفید است از نو دریابند (فولر و لسر، ۱۹۹۵: ۵۲).

جنگ‌های صلیبی

مسلمانان غرب را به‌عنوان دشمن تاریخی خود قبول داشته و مقابله با آن را یکی از اهداف مهم خود می‌دانند. پشتوانه چنین نگاهی تاریخی پر از درگیری بین مسلمانان و اروپاییان است. درگیری‌هایی که از دوران حضرت رسول (ص) در مقابله با بیزانس آغاز شده و در دوران خلفای پس از ایشان به شام، مصر، افریقایه، سیسیل، آندلس، فرانسه و بخش‌هایی از ایتالیا رسید. اما اوج این درگیری‌ها هنگامی رخ داد که اروپا سعی داشت تا میراث از دست رفته خود را باز پس ستاند. حمله‌ی دویست ساله شوالیه‌های صلیبی به اراضی مقدس مسلمانان و جنایات هولناک آنها مهم‌ترین واکنش اروپاییان در قبال حکومت اسلامی بود. مسلمانان پیش از این با اروپا آشنا بودند، اما آن قسمت متمدن یعنی امپراطوری بیزانس بود که بیشتر با حکومت‌های خاورمیانه سنخیت داشت تا به حکومت فرانک‌ها و نورمن‌های قرون وسطی. مواجهه با لایه قرون وسطایی اروپا برای مسلمانان بسیار دردناک بود سواحل شرقی مدیترانه تا نزدیکی‌های مصر و شمال عراق در دست دشمن غربی بود. مهم‌تر این‌که بیت‌المقدس محل تمرکز آنها بود و حتی زمانی برای آن‌که این شهر را از دست مسلمانان به در آورند درصدد برآمدند تا مکه و مدینه را تسخیر کنند. مسلمانان به تدریج توانستند حاکم صلیبی بیت‌المقدس را شکست داده و حکومت مسلمانان را بر بیت‌المقدس استقرار بخشند. اما از آن زمان به بعد جنگ‌های صلیبی به مهم‌ترین واقعه‌ی عاطفی برای مسلمانان بدل شد که نه تنها نشانگر اشغال فیزیکی بلکه بیانگر تأسیس کشوری مسیحی در دل کشورهای اسلامی بود. امروز نیز این وقایع در نگاه به گذشته پیش‌زمینه‌ی امپریالیسم و استعمارگری بعدی غرب ارزیابی شده و در چشم بسیاری از مسلمانان با تأسیس یک کشور یهودی

در فلسطین در سال ۱۹۴۸م. در ارتباط است. امروزه اسلام‌گرایان به مسأله‌ی جنگ‌های صلیبی بیشتر از حیث تقابل میان مسیحیت و اسلام می‌نگرند (فولر و لسر، ۱۹۹۵: ۵۴) که در این بین مسأله‌ی فلسطین و اسراییل تبلور تازه‌ی جنگ‌های صلیبی در تقابل تمدنی است.

ضرورت توجه رسانه‌های ایران به تاریخ اسلام

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگترین حکومت معارض امریکا و غرب در جهان اسلام داعیه‌ی اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را دارد. تلاش‌های بسیاری نیز در جهت همراه کردن کشورهای اسلامی با این تفکر داشته است. اگرچه رؤسای دول اسلامی به دلایل متعدد از جمله پیوند با امریکا و کشورهای غربی چندان با جمهوری اسلامی همراهی نکرده‌اند، اما سرمایه‌گذاری ایران بر روی ملت «مستضعف» اسلام موجب تألیف قلوب مسلمانان شده بود. در این بین حضور رسانه‌های ایرانی این پیوند را تقویت می‌کند، اما این پیوند از سوی رسانه‌های رقیب در معرض خطر است. نخست آن‌که در کنار رسانه‌های عربی زبان ایران تعداد بسیار زیادی از رسانه‌های عربی زبان سعودی و وابستگان سیاسی آن با تکیه بر هویت عربی برای مقابله با سیاست‌های نرم جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند. دوم آن‌که رسانه‌های غربی و تلاش برای مخدوش کردن ایران و ارزش‌های جمهوری اسلامی هجده‌ی زیادی را متوجه‌ی کشورهای اسلامی کرده‌اند تا از این طریق هم رهبری جهان اسلام را از ایران گرفته و هم جایگزینی بهتر برای آن معرفی کنند. در این بین بخشی از این عملکرد قوی مربوط به رسانه‌های فرامرزی ایران است.

ضدصلیبی معرفی کردن اقدامات

ایران به‌عنوان حامی مستضعفان جهان - در یک نگاه کلان، استضعاف جهان اسلام در برابر تمدن غرب - خط مقدم مقابله در برابر صهیونیست است. کنش سیاسی نظامی ایران این مطلب را به طور واضح نشان داده است. اما پوشش خبری رسانه‌های سعودی و غربی این فعالیت‌ها را تلاش برای برهم زدن ثبات جهان اسلام و توسعه‌ی تروریسم جلوه می‌دهند. تکیه نکردن ایران بر خاطره‌ی تاریخی صلیبیان و روحیه‌ی ضد صلیبی‌گری مسلمانان موجب شده با وجود هزینه‌های زیاد در مبارزه با اسراییل، قسم زیادی از پیروان اهل سنت به گروه‌های بنیادگرای اسلامی همچون القاعده و داعش به‌عنوان خط مقدم مبارزه با صلیبیان چشم‌دوزند اگر چه در واقعیت کنشی در تقابل با



اسراییل از آنها دیده نمی‌شود. ولی تلاش رسانه‌ای آنها متکی بر خاطره جمعی جهان اسلام این ذهنیت را به وجود آورده است.

دوری از تاریخ قرون میانه

دوران میانه تاریخ ایران با وجود تسلط غالب اهل سنت، دستاوردهای زیاد فرهنگی، سیاسی، نظامی، دینی و تمدنی برجای گذاشت. گذشته از پرورش اندیشمندان و دانشمندان بزرگ جهان اسلام در این مقطع، توسعه‌ی امپراطوری اسلامی با تکیه بر میراث ایرانی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی نظامی آن بود. در دوران سلجوقیان، حاکمان ایران توانستند بزرگترین شکست را به دولت روم در نبرد ملازگرد وارد آورند. نپرداختن به توسعه‌های نظامی حکومت‌های ایران در قرون میانه موجب شده تا دولت ترکیه این افتخارات تاریخی را با اسناد ایرانی خود در جهان اسلام ثبت کند و امپراطوری عظیم سلجوقی را از موارث خود بداند.

با شروع جنگ‌های صلیبی ایرانیان نقش مهمی در تقابل با صلیبیان داشتند. اول از همه باید مد نظر داشت که حمله‌ی صلیبیان به سواحل شرقی مدیترانه حمله به قلمرو سلجوقیان بود که پایتخت‌شان در اصفهان بود و این امر در واقع حمله به خاک ایران محسوب می‌شد. دوم آن‌که اولین افرادی که به مقابله با صلیبیان شتافته و دول‌غازی را بنیاد نهادند، برخاسته از ایران بودند. دولت اتابکان زنگی اولین و پر افتخارترین دولت اسلامی در مقابله با صلیبیان در اداره کشور از میراث ایرانی استفاده کرد (محسن حسین، ۲۰۰۳: ۳۸ و ۴۱؛ عبادی، بی‌تا، ۳۶). قسم مهمی از لشکریان از سربازان ایرانی بودند (قزوینی و تنوی، ۱۳۸۲: ۲۵۲۳/۴) زبان فارسی جایگاه مهمی در حکومت آنها داشت (صفری آق‌قلعه، ۱۳۸۹: ۷). و اساساً این دولت شاخه‌ای از سلجوقیان با مرکزیت اصفهان و خراسان بود (ابن عمرانی، ۲۰۰۱: ۲۱۶؛ ابن اثیر، بی‌تا: ۲۹). حکومت ایوبیان برآمده از حکومت زنگیان بود (ابن شداد، ۱۹۹۴: ۷۲). و متکی بر گردهای ایران و میراث اداری ایرانی را تا حد زیادی حفظ کرد. پس از ایوبیان نیز امپراطوری مملوک با جذب سربازان خوارزمشاهی توانست در عین الجالوت در مقابل مغولان ایستاده و به سرزمین صلیبیان بتازد (مقریزی، ۱۹۹۷: ۴۷۷/۱).

نقش رسانه در معرفی هویت تاریخی ایران

این موارد و مصادیق زیاد دیگر همه حاکی از نقش پر رنگ ایران در مقابله با صلیبیان

دارد که متأسفانه به دلیل نپرداختن ایران به این هویت تاریخی عرصه را برای سیاست‌های سازه‌انگارانه‌ی حکومت‌های رقیب مانند ترکیه، عربستان و عراق زمان صدام بازگذاشته است. توجه به این تاریخ اذهان جهان اسلام را به کنش‌های نظامی ایران در برابر صلیبیان آگاه ساخته و کنش فعلی ایران در برابر اسراییل را با خاطره‌ای تاریخی همراه می‌سازد. این روند در ازمنه بحرانی مانند جنگ‌های ۳۳ و ۲۲ روزه بیش از پیش تأثیرگذار خواهد بود که لازمه‌ی آن پشتیبانی قوی رسانه‌ای و جهت دادن به خاطره‌ی تاریخی جهان اسلام در راستای اهداف جمهوری اسلامی است. در این عملکرد هویت ایرانی همگام با هویت کلان جهان اسلام خود را یک مسلمان معرفی کرده که مرزهای پر رنگ و جدی با غرب دارد. نه هویتی شیعی که در پی برهم زدن نظم جهان اسلام و افزایش تروریسم است. در حال حاضر تأکید بر دوران حضرت رسول(ص) و دوران امام علی(ع) و قیام‌های شیعی غالب تکیه‌ی تاریخی تولیدات رسانه‌ای ایران را تشکیل می‌دهد که ارائه‌کننده‌ی هویت شیعی است نه هویت اسلامی. در این تولید دیگری اموی یا سایر خلفای اسلامی اند نه حاکم یا فردی غیرمسلمان. این تولیدات، هویت کوچکتر شیعی را تقویت می‌کند نه هویت کلان اسلامی. از این رو باید همراه با ساخت تولیدات رسانه‌ای برای هویت شیعی، خوراک هویتی برای جهان اسلام را نیز در نظر گرفت که دیگری آن غرب باشد نه مسلمانی دیگر. ظرفیت‌های تاریخی ایران در تقابل با جهان غربی از دوران باستان و سراسر قرون میانه بسیار زیاد است. شناساندن این میراث تاریخی و تکیه بر آن برای مشروع جلوه دادن کنش سیاسی و نظامی کنونی می‌تواند به پیشبرد جمهوری اسلامی برای اتحاد جهان اسلام موافق با اهداف خود بسیار کمک کند. این هویت تاریخی که متکی بر شکوه دوران گذشته است از یک سو برای جبهه موافق ایران اتحاد به ارمغان می‌آورد و از سوی دیگر به تقویت اراده می‌پردازد. اسکیلز درباره‌ی جنگ‌های آینده چنین می‌گوید: «برتری شماره یک ما در آینده این است که بتوانیم اراده‌ی دشمن را درهم بشکنیم» (اسکایلز، ۲۰۰۱: ۱۵۳). این امر علاوه بر نیروی نظامی تا حد زیادی متکی بر عملیات روانی و فعالیت رسانه‌ها است. تکیه بر پیشینه‌ی تاریخی و پیروزمندانه در برابر غرب اعتماد به نفس بیشتری در جهان اسلام نسبت به کنش در برابر غرب ایجاد می‌کند و اقدامات جمهوری اسلامی در دیدگاه مسلمانان بیشتر جهادی و موفق جلوه خواهد کرد. چون نوع این اسناددهی ریشه در هویت تاریخی آنها دارد. پیروزی جنگ‌های ۳۳ و ۲۲ روزه



لبنان و فلسطین با کمک ایران همراه با اسنادی هویتی برگرفته از تاریخ مانند مقایسه با نبرد اثارب یا حطین بسیار مؤثرتر خواهد بود.

نتیجه گیری

هویت دو وجه ایجابی و سلبی دارد. یک وجه که در پی تعریف خود است، و وجه دیگر که دیگری را تعریف می نماید. تمایز بین خود و دیگری بسته به گستره‌ی تعریف هویت می تواند محدوده کوچک یا بزرگی را دربرگیرد. کلان ترین لایه‌ی هویتی در زمان حال، هویت تمدنی است که مرزبندی‌های کنونی در جهان را شکل می دهد. توانایی برای همراه کردن هویت‌های سایر کشورها با اهداف سیاسی خود، یکی از وجوه اعمال نفوذ و نیل به اهداف است که در نظریه سازه‌نگاری به آن پرداخته می شود. در واقع با این نگاه از طریق ابزارهای رسانه‌ای می توان ملل را فارغ از جهت گیری دولت‌ها با خود همراه کرد و با صف بندی‌های تمدنی، هویتی مطابق با اهداف مطلوب در خارج از مرزها به وجود آورد. تمدن غرب، بزرگترین رقیب هویت تمدن اسلامی محسوب می شود. تقابل مسلمانان با غرب تا حد زیادی ناشی از خاطره تاریخی آنهاست. برخوردهای خشن و طولانی مدت بین مسلمانان و اروپاییان که در شکل جنگ‌های صلیبی به بارزترین نحو جلوه کرد، موجب شد تا دیگری برای هویت تمدن اسلامی، دشمن غربی - صلیبی باشد؛ اگرچه این خاطره تاریخی در بین مسلمانان مشترک است، اما خرده‌هویت‌های مذهبی که به دلایلی از جمله عدم بلوغ سیاسی نخبگان جهان اسلام، رقابت‌های منطقه‌ای کشورهای اسلامی، سیاست جهانی سازی غرب، هوشمندی رژیم صهیونیستی در تقویت و تعمیق گسل‌های هویتی موجود در جهان اسلام و غیره مهم ترین عامل افتراق هویتی و عدم ایجاد یک «ما»ی واحد محسوب می شوند. ج.ا.ا به عنوان مهم ترین قدرت معارض جهان اسلام با تمدن غرب، بیشترین برخورد را با رژیم صهیونیستی طی سالیان اخیر داشته است و از این امر می تواند در یارگیری علیه غرب از اعضای مجموعه‌ی هویت اسلامی بهره گیرد. در خاطره تاریخی مسلمانان رژیم صهیونیستی درست در جایی بنا شد که اخلاف صلیبی آنها به غصب سرزمین‌های اسلامی پرداختند. ضعف اخبار برون مرزی صداوسیما در معرفی ایران به عنوان مبارز علیه صلیبی گری نوظهور - در کنار دلایل غیررسانه‌ای پیش گفته - یکی از عواملی است که موجب شده ج.ا.ا کمتر بتواند بر ریشه‌های عمیق هویتی جهان اسلام تکیه کند. اما توجه به کنش‌های ایرانیان در طول تاریخ، خاصه در مواجهه با صلیبیان

انحصار مبارزه تاریخی با غرب را از کشورهای عربی و ترکیه گرفته و این امکان را فراهم می‌آورد تا با استفاده از هویت تاریخی مسلمانان پایگاه مستحکمی در افکار مسلمانان جهان ایجاد و تا حد زیادی بتواند بر ملل اسلامی در تقابل با اسرائیل تکیه کند.

یادداشت‌ها

1- Mutual symbolic action

۲- برای اطلاع بیشتر رک. (Bull and Hously, 2003)

۳- از آن جمله می‌توان به نبردها بیست ساله هفت ساله و جنگ‌های صد ساله فرانسه و انگلیس دوران پراشوب قرون میانه و نیز نبردهای عصر روشنگری قرن ۱۷ تا ۱۹ میلادی اشاره کرد.

۴- مانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

۵- اورلاندو بلوم (Orlando Jonathan Blanchard Bloom)

6- Kingdom of heaven

7- Hard choices

۸- رگونیکیستا (Reconquista) به معنای بازپس‌گیری، جنبش استرداد یا سقوط آندلس، مجموعه‌ای از لشکرکشی‌های طولانی مدت مسیحیان اسپانیا و پرتغال در قرون وسطی به منظور بازپس‌گیری سرزمین‌های خود از مسلمانی بود که در اوایل سده‌ی هشتم میلادی بیشتر شبه جزیره ایبری را به اشغال خود درآورده بودند.

منابع

- ابن شداد، أبو المحاسن بهاء‌الدین یوسف بن رافع الأسدی الموصلی (۱۹۹۴): *النواتر السلطانیة والمحاسن الیوسفیة* (سیره صلاح‌الدین الأیوبی)، محقق جمال‌الدین الشیبال، قاهره: مکتبه الخانجی.
- اسمیت، کوین بی؛ لاریمر، کریستوفر (۱۳۹۲): *درآمدی بر نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی*، ترجمه‌ی حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
- الوانی، سیدمهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴): *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- امینیان، بهادر؛ تیموپور، نوشین (۱۳۹۱): «رسانه، هویت ملی و امنیت ملی: با تأکید بر جامعه ایران»، *مطالعات راهبردی بسیج*، س ۱۵، ش ۵۷، صص ۶۳-۷۸.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی احساس امنیت*، تهران: امیرکبیر.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، ایت (۱۳۸۳): مقاله: «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، س ۶، ش ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- جزی، ابن اثیر؛ بن‌محمد، علی بن محمد (بی‌تا): *التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه بالموصل*، حقیق عبدالقادر احمد طیلمات، قاهره، دارالکتب الحدیثه.



- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): **هویت اجتماعی**، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۸): «جدال معاصران بر سر تاریخ باستان»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، س ۱۱، ش ۱۳۱، صص ۱۱-۶.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸): «روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی: چارچوب مفهومی»، **توسعه کارآفرینی**، س ۲، ش ۶، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- دژکام، محمد (۱۳۹۵): ارائه راهبرد مطلوب تقویت امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران با خبر تلویزیونی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه صداوسیما، تهران.
- دوران، بهزاد؛ محسنی، منوچهر (۱۳۸۳): «هویت، رویکردها و نظریه‌ها، بحران هویت»، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۸۹): «زبان فارسی در دربار اتابکان موصل»، **گزارش میراث**، فروردین و اردیبهشت، س ۵، ش ۳۸، صص ۱۰-۷.
- عبادی، احمد مختار (بی‌تا): **فی‌التاریخ الایوبیین والممالیک**، بیروت: دارالنهضة العربیه، بی‌تا.
- علیخانی، علی (۱۳۹۳): **امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشکده اطلاعات.
- قزوینی، آصف‌خان؛ توی، قاضی‌احمد (۱۳۸۲): **تاریخ الفی**، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۹): **تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی**، تهران: سمت.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵): **مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی**، تهران: تمدن ایرانی.
- محسن حسین، محمد (۲۰۰۳): **الجیش الایوبی فی عهد صلاح‌الدین ترکیبه تنظیمه اسلحه بحریته و ابرز الممارک التي خاضها**، اربیل: دار نارس لطباعه و النشر.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲): «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، **سیاست خارجی**، س ۲۱، ش ۶۸، صص ۹۵۰-۹۱۵.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸): **برخورد تمدن‌ها و نظم نوین جهانی**، ترجمه‌ی محمدعلی حمید رفیعی‌پور، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- Anderson, James E. (2014); *Public Policy Making*, Cengage Learning.
- Bull, M. and Hously, N. (2003); *The experience of crusading*, Cambridge: Cambridge University press.
- Chamberlin, J. M. (2007); *Imaging Defeat: an Arabic Historiography of the Crusaders*, Monterey, California: California university press.
- Fuller, Graham E. and Lesser, Ian O. (1995); *A Sense of Siege: The Geopolitics of Islam and the West*, Colorado, Westview Press.
- Huntington, Samuel P. (2004); *Who are We?: The Challenges to America's National Identity*, New York, Simon & Schuster.
- Jepperson, Ronald L., Alexander Wendt, and Peter Katzenstein. (1996); *Norms, Identity, and Culture in National Security*, New York, Columbia University press.
- Ohana, D. (2011); *Israel and Its Mediterranean Identity*, London: Palgrave Macmillan.
- Price R. M. and Reus-Smit C. (1998); *Dangerous liaisons? Critical international theory and constructivism*, European international relation. 4,3
- Scales, Robert H. (2001); *Future Warfare Anthology*, Pennsylvania, U.S. army war college.
- Turner, J. H. (2001); *Handbook of Sociological Theory*, California: California University press.
- www.oxforddictionaries.com Oxford Dictionary, "Identity"